



درباره مسجد الرسول (ص)
که ساخت آن به دهه ۵۰ بر می گردد

همه چیز از جلسه قرآن شروع شد

داستان جلد

نجمه موسوی زاده نزدیک پایانه مسافربری امام رضا^(ع)، بنایی سنگی و کوچک خودنمایی می کند. در گذر زمان، چند سنگ از نمای ساختمان شکسته و فرو ریخته است. کمی که دقت کنید، دو گلدسته طلایی از بالای سردر بنادیده می شود. اینجا مسجد الرسول^(ص) است؛ مسجدی که پنجره های گنبدی با قاب های آهنی سبزرنگ آن به خوبی نشان می دهد که ریشه هایش به دهه ۵۰ بازمی گردد. گوشه ای از حیاط کوچک مسجد چند سالی است موبک دائمی شده است؛ جایی ساده و صمیمی برای پذیرایی از رهگذران و مسافران. وقتی قدم به داخل مسجد می گذارید، همه چیز حال و هوای قدیم را دارد؛ از تابلوها و قاب عکس های شهیدان گرفته تا دیوارهای سنگ مرمری که بوی خاطره می دهد. مسجد الرسول^(ص) در محله امام خمینی^(ع) خاطرات زیادی در دل خود دارد؛ اینجا احساس می کنید به زمانی دور برگشته اید، جایی که باتلاش اهالی محله به ویژه حاج علی حاجیان ساخته شده است.

ریشه زدن مسجد از جلسات قرآن

همه ماجرای ساخت مسجد، از یک جلسه قرآن شروع شد، جلسه ای که بیش از نیم قرن پیش در خانه های بزرگان محله برگزار می شد. حاج آقا حاجیان، مرتضایی، قدسی، شرافت، عیدگاهی، زخی، عالمی خواه، سیاوشی، ریگی نژاد، خیرآبادی، خانواده برادران، خانواده شهید الهی و شهید رحیمیان و بسیاری دیگر که سال هاست به رحمت خدا رفته اند، در این جلسات حضور داشتند.

سال ۵۷، درست در بجهو حه انقلاب اسلامی، زمینی بایر نزدیک محل سکونت این بزرگان (امام خمینی ۹۵ کنونی) قرار داشت؛ زمینی که مالک مشخصی نداشت و سال ها رها شده بود. در یکی از شب هایی که جلسه قرآن برگزار شد و بزرگان محله حضور داشتند، تصمیم گرفته شد که دو نفر از آن ها به نمایندگی از بقیه، به اداره اوقاف و آستان قدس رضوی مراجعه و درخواست خود را برای ساخت مسجد در این زمین ارائه کنند. مدت زیادی طول نکشید که با درخواست آن ها موافقت و مسیر ساخت مسجد آغاز شد.

همت بلند حاج آقا حاجیان

سید حمید عبادی، عمر خود را در همین محله سپری کرده است. خانه پدری اش چند کوچه با مسجد فاصله دارد. سال ۵۸، زمانی که پرچم سبزی در زمین خاکی برافراشته شد تا نشانی از ساخت مسجد در این مکان باشد، حمید عبادی فقط ۹ سال داشت، اما به خوبی به یاد دارد که چگونه اهالی پای کار آمدند تا مسجد الرسول^(ص) ساخته شود.

نگاهش را دور تادور فضای مسجد می چرخاند، جایی که سال های نوجوانی و جوانی اش در آن گذشته است، انگار که پس ذهنش خاطراتش را مرور می کند. سپس صحبت هایش را این گونه آغاز می کند: خدا رحمت کند حاج آقا علی حاجیان

را؛ معتمد محله که پایه و اساس این مسجد راوست.

عبادی ادامه می دهد: محله یک مسجد قدیمی داشت، ولی به دلیل فاصله زیاد و اینکه اهالی می خواستند برنامه های مناسبتی و جلسه قرآن محلی حفظ شود، مسجد الرسول^(ص) ساخته شد.

او به یاد دارد که ساخت مسجد زمان زیادی برد؛ یکی از اهالی، اول هر ماه یک دفترچه کوچک برمی داشت و به سراغ اهالی می رفت و از آن ها سؤال می کرد که آیا می خواهند برای ساخت مسجد کمک کنند. اگر مبلغی پرداخت می شد، روی کاغذ می نوشت و مانند یک قبض به آن ها می داد، انگار که مدرکی برای کمک به مسجد باشد.

حاج آقا حاجیان بیشترین سرمایه را برای ساخت مسجد گذاشت. عبادی توضیح می دهد: او نه تنها هزینه خرید مصالح و دستمزد کارگر را می داد، بلکه خودش هم با اینکه صاحب مغازه بود و کسب و کارش با ساخت و ساز تفاوت بسیار داشت، لباس کار می پوشید و پایه پای کارگر کار می کرد.

اوسنگ های مرمر دیوار شبستان مسجد را نشان می دهد: «همه این سنگ کاری ها کار حاج آقا حاجیان است؛ خودش همه دیوارها را بدون اینکه استادی در کار باشد، سنگ کرد.»

تقدیم ۴ شهید

آقا سید حمید از سال ۶۳ در مسجد آمد و شد داشت؛ زمانی که ساخت بنا تمام شده و مسجد شکل اساسی به خود گرفته بود و اهالی برای اقامه نماز جماعت به آنجا می آمدند؛ «یکی از نوجوانان محله هیئتی راه انداخته بود به نام هیئت متوسلین به حضرت رضا^(ع)، برنامه های هیئت باعث شد رفت و آمد م به مسجد بیشتر شود.»

اولین باری که آقا حمید در جمع با صوت قرآن خوانده، مربوط به جلسات قرآنی همین مسجد بوده است؛ «کم کم در جلسات دعا می ند به، دعا می کمیل، توسل و... شرکت



از راست به چپ: سید حمید امیری، سید حمید عبادی و رضا ایزدانی